

بررسی نقش توقعات نابجای زن در اختلافات خانوادگی

مرضیه محمدیان دارانی*

مقدمه

خانواده، رکن بنیادین جامعه انسانی و پایه حیات اجتماعی است که ثبات یا بی‌ثباتی آن تأثیر مستقیمی بر جامعه دارد. وجود روابط سالم و سازنده میان اعضای خانواده، نقش مؤثری در حفظ و بقای آن دارد. گسترش عواملی که موجب اختلاف در میان خانواده می‌شود، در سال‌های اخیر سبب تغییر کارکردهای خانواده شده است. یکی از این عوامل، توقعات بی‌جای زن از شوهر است. ضعف باورهای اخلاقی، تداخل اشتغال زنان با نقش‌های همسری و مادری، در نظر نگرفتن تفاوت‌ها و چشم‌وهم-چشمی نقش مؤثری در ایجاد توقعات بی‌جای زنان دارند. در راستای این عوامل، توقعات زن از شوهر نقش مهمی در ایجاد اختلافات خانوادگی دارد. در این مقاله به بررسی نقش این توقعات در به وجود آمدن اختلاف در زندگی زنانشویی و تشدید آن می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی

توقع به معنای چشم داشتن^۱، انتظار به دست آوردن چیزی یا انجام کاری را داشتن است. انتظارات و توقعات زن و شوهر از یکدیگر، مسأله‌ای است که گریبانگیر همه خانواده‌هاست؛ زیرا زن و شوهر با دو شیوه و شرایط متفاوت تربیت شده‌اند. شرایط

* طلبه سطح ۳ مطالعات زن و خانواده.

۱. حبیب‌الله آموزگار؛ فرهنگ فارسی دانش؛ ص ۲۷۱.

اقتصادی متفاوت، تعداد فرزندان، رابطه سالم پدر و مادر و تفاوت فرهنگ و تحصیل، سبب به وجود آمدن زمینه‌های پرورشی متفاوت می‌شود. این تفاوت‌ها، توقعات گوناگون را به وجود می‌آورد. توقعات غیرمنطقی و نابجا، رابطه میان زن و مرد را به سمت کشمکش و بحران می‌کشاند.

گاهی برخی توقعات، در برخی شرایط و موقعیت‌ها نابجاست؛ اما اصل آن نامتعارف نیست. همیشه شرایط زندگی یکنواخت نیست؛ بلکه فراز و نشیب‌های مختلفی دارد که انتظارها را هم دگرگون می‌کند. خانمی که ۳ فرزند داشت، به مشاور مراجعه کرده بود و می‌گفت همسرش در تأمین معاش و مایحتاج زندگی، کوتاهی می‌کند و نیازهای مادی او و فرزندش را برآورده نمی‌کند. اصل انتظار این خانم، یعنی «حق نفقه و تأمین خواسته‌های اقتصادی در خور شأن» درست بود، اما پس از صحبت‌های مشاور با همسرش مشخص شد مرد، تاجری با وضعیت مالی خوب بوده که در مدت ۱۸ سال زندگی مشترک، به راحتی پاسخگوی خواسته‌های مالی همسر و فرزندان بوده است؛ اما اکنون به علت ورشکستگی مالی، دیگر نمی‌تواند مانند گذشته تمام خواسته‌های پُر زرق و برق قبل آن‌ها را برآورده کند. این خانم با چند جلسه صحبت، متقاعد شد که شرایط عوض شده و او باید سطح توقع خود و فرزندان را تغییر دهد.^۱

عوامل ایجاد توقعات بی‌جا

عواملی در شکل‌گیری توقعات نابجا نقش دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. ضعف باورهای اخلاقی

آموزه‌های اخلاقی مانند قناعت، صبر و تحمل و ...، نقش مهمی در بهبود روابط زن و شوهر دارند. نبودن این آموزه‌ها زمینه ایجاد توقعات نابجا را در زنان فراهم می‌کند و در نهایت می‌تواند منشأ اختلافات خانوادگی باشد. قانع نبودن زن به امکانات و

۱. نفیسه حیدری؛ «از همسر خود توقع بی‌جا نداشته باشید»؛ مجله پیام زن؛ شماره ۲۷۸، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۳۰.

موقعیت خود در زندگی، زمینه نارضایتی او را فراهم می‌کند و عدم رضایت نیز باعث ایجاد توقعات نابجا در زن می‌شود. در نهایت زن ناراضی از زندگی، دیگر دلیلی برای سپاسگزاری از شوهر و تعهد به زندگی نمی‌بیند و اختلافات میان آن‌ها شروع می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سرزنش و مذمت زن متوقع فرموده است:

أَلَا وَ أَيْمَانُ امْرَأَةٍ لَمْ تَرَوْقِي بَرُوجَهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَثْبُرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانٌ^۱ و هر بانویی که به شوهر خود آسان نگیرد و چیزی را که در توان او نیست، بر او تحمیل کرده و از وی بخواهد، خداوند هیچ کار نیکی را از وی نپذیرد و او خدا را دیدار کند، در حالی که بر او خشمگین باشد.

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام مصداق و الگوی کامل زنی بود که در تمامی لحظه‌های زندگی هرگز همسرش را در سختی و تنگنا قرار نداد. نقل است:

روزی امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام فرمود: «فاطمه جان! آیا غذایی داری تا از گرسنگی بیرون آیم؟». فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام پاسخ داد: «نه؛ به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند! دو روز است که در منزل غذای کافی نداریم. آنچه بود، به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم». امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟». حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِيَّاهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ؛^۲ ای علی! من از پروردگارم شرم دارم که چیزی از تو درخواست کنم که توان برآوردن آن را نداشته باشی».

این آموزه فاطمی به ما یاد می‌دهد که تکلیف کردن همسر بر آن چیزی که قادر به انجام آن نیست، امری ناپسند و مصداقی از توقع نابجاست.

۲. خودمحوری

در اندیشه انسان مدرن امروزی، فرد مالک جسم و جان خویش است و همه چیز

۱. محمد بن علی شیخ صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۱۶.

۲. محمد بن حسن طوسی؛ الامالی؛ ص ۶۱۶.

اعم از مذهب، اخلاق، قانون و ... تابع او هستند و او تابع هیچ چیز نیست. در این دیدگاه امیال و خواسته‌های بشری، بسیار مهم است. از همین روست که انسان‌ها از یکدیگر جدا هستند؛ زیرا هر یک از آن‌ها به دنبال برآورده شدن امیال و خواسته‌های خویش، و دیگران در نظرشان مانند کالا و اشیا هستند. گرایش زن و مرد به منطق فردگرایی، موجب به وجود آمدن روحیه خودخواهی در هر یک از آن‌ها، از بین رفتن فضایل اخلاقی و ... میان همسران می‌شود. این مسأله، می‌تواند عاملی برای ایجاد توقعات نابجا در افراد باشد؛ بدین معنا که زن متوقع تنها خواسته‌های خود را می‌بیند و بدون توجه به توانایی شوهر، از وی انتظار دارد خواسته‌های او را برآورده سازد و در صورت برآورده نشدن خواسته‌ها، اختلافات خانوادگی شروع می‌شود. وقتی روحیه خودخواهی به محیط خانواده که بر پایه ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی استوار است، وارد می‌شود؛ نتیجه‌ای جز تضعیف، تزلزل و فروپاشی نهاد خانواده به دنبال نخواهد داشت.^۱

۳. عدم شناخت تفاوت‌های زن و مرد

در جهان‌بینی توحیدی، خلقت و طبیعت هدفمند است. هر نوع تفاوت در طبیعت، به اراده و حکمت پروردگار رقم خورده و به منظور رفع نیازهای مختلف موجودات است:

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ^۲ آیا آنانند که رحمت پروردگار را تقسیم می‌کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آن‌ها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند، بهتر است.

تفاوت میان زن و مرد، مجموعه‌ای از نیازهای متقابل میان آن‌ها به وجود می‌آورد که

۱. نرجس رودگر؛ فمینیسم: تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد؛ ص ۱۹۸-۱۹۶

۲. زخرف: ۳۲.

سبب تمایل آنها به یکدیگر، همدلی و وابستگی، سکون و آرامش و در نتیجه تشکیل خانواده می‌شود.^۱ نادیده گرفتن این تفاوت‌ها نیز باعث از بین رفتن کشش متقابل آنان، همدلی و وابستگی و در نهایت از بین رفتن سکون و آرامش آنان و عاملی برای ایجاد اختلاف در روابط زن و شوهر می‌شود. نادیده گرفتن این تفاوت‌ها می‌تواند زمینه را برای اختلاف فراهم کند؛ برای مثال مردان ترجیح می‌دهند عقب بایستند و تصویر را بزرگ ببینند. آنها دوست دارند به جای آن‌که خود را درگیر تعداد زیادی کار کوچک و بی‌اهمیت کنند، کارهای بزرگ اما کمتری انجام دهند. برای مثال شاید یک مرد همیشه برای همسرش هدیه نگیرد، اما وقتی تصمیم بگیرد چنین کاری کند، حتماً هدیه با ارزش تری را تهیه خواهد کرد. از سوی دیگر طبیعت مغز زنان این گونه است که جزئیات ظریف را به خوبی به خاطر می‌سپارد و می‌تواند حجم وسیع تری از تصمیمات کوچک‌تر را مدیریت کند. نادیده گرفتن این تفاوت‌ها، سبب به وجود آوردن این توقع می‌شود که مردان نیز باید همانند زنان در مواقع مختلف عملکرد یکسانی داشته باشند. برای مثال وقتی مردی مرتب یک شاخه گل به همسرش هدیه می‌دهد، این عمل از نظر زن نشان‌دهنده آن است که همواره در ذهن همسرش است و این را یک امتیاز برای مرد در نظر می‌گیرد. این در حالی است که بیشتر مردان از سیستم امتیازبندی زنان کاملاً بی‌خبر هستند؛ زیرا آنان برای کارهایی که در زندگی انجام می‌دهند، امتیازی در نظر نمی‌گیرند.^۲ زن‌ها معمولاً در مورد درک عشق همسرشان دچار اشتباه می‌شوند؛ زیرا آن را با معیار خود می‌سنجند.^۳ مشکل و اختلاف نیز زمانی به وجود می‌آید که ما از جنس مخالف خود انتظار داشته باشیم که مانند ما فکر، احساس و عمل کند.

۱. نرجس رودگر؛ فمینیسم: تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد؛ ص ۲۲۲ و ۲۲۳

۲. آلن پیز و باربارا پیز؛ چرا مردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند؟! ترجمه حوریا موسایی؛ ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۳. جان گری؛ خواسته زن‌ها، خواسته مردها، چگونه عشق را به همسر خود ابراز کنید؟ ترجمه رامین شهبازی؛ ص ۳۳.

۴. اشتغال زنان

تمایل زن به داشتن شغل، بر خانواده و روابط زن و شوهر اثر می‌گذارد. در بسیاری از مواقع، به جای اینکه اشتغال زن در خدمت نهاد خانواده قرار گیرد؛ سبب به وجود آمدن اختلاف میان زن و شوهر و گاه حتی موجب نابودی نهاد مقدس خانواده می‌شود. اسلام وظیفه اقتصاد و تأمین معاش را بر عهده زن نگذاشته است؛ هر چند اشتغال زن می‌تواند موجب کمک به اقتصاد خانواده شود. البته اسلام هرگز زن را در خانه زندانی نکرده و شرکت زنان در فعالیت‌های مثبت و سازنده اجتماعی را ممنوع نکرده است. از نظر اسلام، اداره مالی خانواده به طور کلی بر عهده مرد است و زن از این امر معاف شده است تا به راحتی و با خیالی آسوده به اداره زندگی و ایفای نقش خویش پردازد.^۱ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»^۲ مردان سرپرست زنانند، به دلیل آن‌که خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آن‌که از اموالشان خرج می‌کنند».

از آنجایی که یکی از آثار اشتغال زنان بر خورداری از اقتدار اقتصادی و کم شدن وابستگی اقتصادی به همسر است، این توقع را در زنان به وجود می‌آورد که موقعیتی برابر با مرد داشته باشد؛ زیرا او با اشتغال خود و کسب درآمدش، به نفقه مرد نیازی ندارد. در این صورت مسأله انحصار قوامیت به مرد منتفی است و او می‌تواند از مزایای این قوامیت در خانه بهره‌مند شود و همانند مرد در اداره و مدیریت خانه دخالت داشته باشد و همانطور که او در کار بیرون به مرد کمک می‌کند، مرد هم باید در کار خانه به او کمک کند.

توقع حاصل از اشتغال زنان، سبب به وجود آمدن تغییراتی در روابط زن و مرد و سرپرستی خانواده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در شکل جدید، مرد کانون اقتدار خانواده و سرپرست آن نیست و قدرت اقتصادی زن معادله قدرت سیاسی را در خانواده بر هم می‌زند و شکل جدیدی از خانواده متولد می‌شود که مردسالار نیست. بنابراین انتظار

۱. فاطمه فرهادیان؛ «پیامدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده»؛ مجله پیام زن؛ شماره ۲۱۹، خرداد ۱۳۸۹، ص ۴۰.

۲. نساء: ۳۴.

می‌رود که کشمکش‌های خانوادگی نیز افزایش یابد.^۱ مردی که برای جدایی از همسرش به دادگاه آمده بود، می‌گفت: «همسرم با بهانه‌تراشی‌های مختلف مرا کتک می‌زند و حتی جرئت ندارم به او اعتراض کنم؛ زیرا منزل را ترک می‌کند». این مرد با حضور در دادگاه خانواده، ضمن ارائه درخواست طلاق، خطاب به رئیس شعبه گفت:

چهار سال است که با همسرم ازدواج کرده‌ام و در این مدت جایگاه من و او به طور کلی تغییر کرده است. در این سال‌ها هیچ‌گاه این احساس را نداشتم که من مرد خانواده هستم. همسرم کارمند یک اداره است و به دلیل نوع شغلش، در ماه به چندین شهر سفر می‌کند. در این مدت من باید از کودک یک ساله‌مان نگهداری کنم. در واقع من نقش زن خانواده را ایفا می‌کنم. بعد از گذشت دو سال از زندگی مشترک‌مان، از کار اخراج شدم و تا امروز نتوانسته‌ام شغلی مرتبط با رشته تحصیلی‌ام پیدا کنم. از آن زمان به بعد همسرم هزینه‌های منزل را تأمین می‌کرد؛ اما بعد از گذشت مدت کوتاهی، رفتارش تغییر کرد. او به بهانه‌های مختلف مرا کتک زده است؛ اما به جهت حفظ زندگی‌مان هیچ‌گاه به او اعتراض نکرده‌ام. همین سکوت من باعث از هم پاشیدن زندگی مشترک‌مان شد.^۲

۵. نگرش فمینیستی

امروزه نگرش فمینیستی، جنجال برانگیزترین جنبش‌های اجتماعی و فکری جهان در قرن بیستم تلقی می‌شود. این نگرش سبب شده زنان بیش از گذشته وارد دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلی شوند و بسیاری از آنان از پذیرش نقش‌های مادری و همسری به عنوان مهم‌ترین وظیفه زندگی خود ابا دارند. نگرش فمینیستی این توقع را در زن ایجاد می‌کند که او باید موقعیتی برابر با مرد در زندگی داشته باشد و انجام وظایف همسری و مادری، مانعی برای رسیدن به این برابری است.^۳ نتیجه این توقع، از بین رفتن ارزش‌های واقعی مانند فداکاری، متعهد بودن، پرهیزکاری، وفاداری و ... است

۱. نشریه حوراء؛ «نکته‌هایی درباره اشتغال زنان»؛ شماره ۸، آبان و آذر ۱۳۹۳، ص ۶.

۲. رضا مؤمنی و محسن باقی‌زاده؛ سیلاب زندگی؛ ص ۵۰.

۳. نرجس رودگر؛ فمینیسم: تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد؛ ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

که هر یک از این موارد، نقش تعیین‌کننده‌ای در استحکام روابط زن و مرد دارد و نبود آن‌ها، زمینه را برای اختلافات خانوادگی فراهم می‌کند.

۶. چشم و هم‌چشمی

خانواده‌هایی که همسران از یکدیگر انتظارات معقول و واقع‌بینانه‌ای دارند، استحکام بیشتری دارند. هر چه انتظارات همسران از زندگی مشترک غیر واقع‌بینانه‌تر باشد، خانواده بیشتر و زودتر دچار مشکل می‌شود. یکی از شواهد روشن این ادعا، پدیده بی‌ثباتی خانواده در جوامع امروزی است. یکی از موضوع‌های مهمی که از آغاز زندگی مشترک می‌تواند بنیان خانواده را بر هم زند، توقع‌های نامحدود و حاکم شدن روح تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی است. روانشناسان، چشم و هم‌چشمی را بیماری مزمن جوامع و بیماران آن را معضلی برای اجتماع می‌دانند که از احساس حقارت یا فخرفروشی، بلندپروازی یا حسادت ناشی می‌شود.

اگر زنان در مدیریت امور خانه، قناعت و پرهیز از خرج‌های غیر لازم و تشریفاتی را رعایت نکنند و از همسران خود انتظارات بیجا و خارج از توان مالی داشته باشند، باید منتظر بروز تنش باشند؛ زیرا یا همسرشان به خواسته‌های افزون‌طلبانه آنان بی‌توجهی می‌کند که سبب بروز مشاجره می‌شود و یا به دنبال برآوردن خواسته‌های بی‌حساب آنان می‌رود که در این صورت، افزون بر آن‌که باید بسیاری از گرفتاری‌ها را تحمل کند، ممکن است زندگی‌شان به حرام آلوده شود. این در حالی است که اگر زنان این عادت زشت اخلاقی را کنار بگذارند، احساس رضایت و بی‌نیازی خواهند کرد و محیطی سرشار از صفا و صمیمیت ایجاد می‌شود و خود و همسرشان از آن لذت می‌برند.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام در سفارشی به حارث همدانی که فقیه زمان خویش بود، راه برون‌رفت از این معضل را این‌گونه بیان فرمود: «وَأَكْثَرُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ»^۲ در زندگی بسیار به پایین‌دست خود نگاه کن. این کار یکی از راه‌های

۱. مجله طوبی؛ «تکنیک‌هایی برای تحکیم روابط خانواده»؛ شماره ۸، مرداد ۱۳۸۵، ص ۱۴۵.

۲. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ نامه ۶۹.

سپاسگزاری است».

راه سپاسگزار بودن انسان، همین است. اگر بنا باشد به بالادست خود نگاه کنیم و او را برای خود الگو قرار دهیم، باز هم بالادست تر از او وجود دارد. اگر شوهر تنگدست است، همسرش نباید او را به خاطر تنگدستی سرزنش کند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مذمت چنین افرادی فرمود: «مَنْ أَذَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَقَلَّةِ ذَاتِ يَدَيْهِ شَهَرَهُ اللَّهُ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ هر کس مؤمنی را برای فقر و تهیدستی او کوچک شمارد، خداوند در روز قیامت سر پل صراط او را رسوا می گرداند».

در واقع مقایسه زندگی خود با دیگران، این توقع را در زنان به وجود می آورد که همسر سطح زندگی را به آن‌ها برسانند که این امر امکان پذیر نیست؛ زیرا روحیه زیاده خواهی انسان‌ها سیراب شدنی نیست و همیشه بالادستی را برای خود تعریف می کند. برآورده نشدن توقعات و انتظارات، باعث می شود احساس رضایتمندی از زندگی از بین برود و زمینه اختلافات خانوادگی فراهم شود. نتیجه مقایسه زندگی خود با دیگران، سرزنش مردی است که تلاش خود را کرده و نتوانسته است که راه به جایی برسد.

نتیجه گیری

سلامت فکری و رفتاری زنان که عهده دار نقش همسری و مادری در خانواده هستند، موجب تحکیم عقاید و آرامش روانی اعضای خانواده و در نهایت آحاد جامعه می شود. یکی از عواملی که سلامت روحی و رفتاری زن را تحت تأثیر قرار می دهد، روحیه زیاده خواهی و توقعات زیاد از شوهر است. ضعف باورهای اخلاقی، فردگرایی، در نظر نگرفتن تفاوت‌های بین زن و مرد و چشم و هم چشمی، زمینه را برای متوقع شدن زنان فراهم می کند که در نهایت با از بین رفتن فضایل اخلاقی مانند قناعت، رضایتمندی، صبر، از خودگذشتگی و ... که خود عواملی برای استحکام روابط بین زن و مرد است، منشأی برای اختلافات میان زن و شوهر می شود.

۱. محمد بن علی صدوق؛ عیون اخبار الرضا عليه السلام؛ ج ۲، ص ۷۰.

فهرست منابع

کتاب

۱. آموزگار، حبیب‌الله؛ فرهنگ فارسی دانش؛ تهران: انتشارات صفار، ۱۳۷۴ش.
۲. پیز، آلن و باربارا؛ چرا مردان دروغ می‌گویند و زنان گریه می‌کنند؟!؛ ترجمه حوریا موسایی؛ تهران: پارسینه، ۱۳۹۲ش.
۳. رودگر، نرجس؛ تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد؛ قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸ش.
۴. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۵. صدوق، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۶. _____؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۸. گری، جان؛ خواسته زن‌ها، خواسته مرد‌ها: چگونه عشق را به همسر خود ابراز کنید؛ ترجمه رامین شهبازی؛ چاپ ششم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری سیمرخ، ۱۳۹۳ش.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. مؤمنی رضا و محسن باقی‌زاده؛ سیلاب زندگی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸ش.

نشریات

۱. حیدری، نفیسه؛ «از همسر خود توقع بیجا نداشته باشید»؛ مجله پیام زن؛ شماره ۲۷۸، اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۳۰.
۲. فرهادیان، فاطمه؛ «پیامدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده»؛ مجله پیام زن؛ شماره سوم، خرداد ۱۳۸۹، ص ۴۰.
۳. مجله طوبی؛ «تکنیک‌هایی برای تحکیم روابط خانواده»؛ شماره ۸، مرداد ۱۳۸۵، ص ۱۴۵.
۴. نشریه حورا؛ «نکته‌هایی درباره اشتغال زنان»؛ شماره ۸، آبان و آذر ۱۳۸۳، ص ۶.